



ارزیابی جنگ آفرینی های جمهوری اسلامی

فروردین ۲۵۸۵

بر اساس ارزیابی های موجود، هیچ نشانه ی قطعی وجود ندارد که درگیری میان اسرائیل، ایالات متحده و جمهوری اسلامی به زودی و با دستیابی کامل طرف های خارجی به اهداف نهایی خود پایان یابد.

اهداف اعلام شده ی آمریکا و اسرائیل عمدتاً شامل مهار توان موشکی و پهبادی جمهوری اسلامی، محدودسازی نفوذ منطقه ای و جلوگیری از تهدیدات امنیتی است. این اهداف لزوماً به معنای سرنگونی کامل ساختار سیاسی جمهوری اسلامی نیستند.

به همین دلیل، پایان درگیری بدون تغییر بنیادین در ساختار قدرت ایران یک سناریوی محتمل است.

در صورت پایان یافتن درگیری ها بدون تضعیف جدی سپاه پاسداران یا تغییرات سیاسی داخلی:

- احتمال بازسازی سریع ساختار امنیتی-نظامی جمهوری اسلامی وجود دارد.
- حاکمیت ممکن است با روایت «دفاع از کشور در برابر دشمن خارجی» فضای داخلی را بیش از گذشته امنیتی کند.
- خطر سرکوب گسترده، بازداشت های وسیع و خشونت سازمان یافته علیه مخالفان افزایش می یابد.
- تجربه ی سال های گذشته نشان داده که جمهوری اسلامی پس از عبور از بحران های خارجی، معمولاً با شدت بیشتری به کنترل جامعه می پردازد.

این نگرانی که «بازگشت از بحران خارجی = سرکوب شدید داخلی» یک نگرانی واقعی و مبتنی بر الگوهای تاریخی است.

لویدز لندن و سایر بیمه گران دریایی، در شرایط افزایش خطر (حملات موشکی، پهبادی، مین گذاری، توقیف کشتی ها در تنگه هرمز)،

- حق بیمه را بالا می برند،
- پوشش را محدود می کنند،
- یا عبور از برخی مسیرها را مشروط به توافق ویژه می سازند.

این تصمیم ها در درجه ی اول بر اساس ارزیابی ریسک و منافع اقتصادی است، نه لزوماً یک طرح مستقیم سیاسی برای مقابله با یک رئیس جمهور خاص در آمریکا. تهدید تنگه هرمز، حمله به نفتکش ها و محدودیت بیمه ای، به طور طبیعی قیمت نفت را بالا می برد و به ابزار فشار سیاسی-اقتصادی برای همه ی طرف ها تبدیل می شود.

بریتانیا روابط امنیتی و نظامی با برخی کشورهای خلیج فارس دارد، اما از ورود به جنگ مستقیم گسترده با جمهوری اسلامی پرهیز می کند و ترجیح می دهد از ابزارهایی مانند تحریم، فشار دیپلماتیک، حضور محدود نظامی و همکاری اطلاعاتی استفاده کند.

کشورهای خلیج فارس از ورود مستقیم به جنگ با ایران پرهیز میکنند بخاطر اینکه، خطر گسترش درگیری به کل منطقه را افزایش می دهد. کشورهای اروپایی معمولاً سیاست مهار و بازدارندگی محدود را ترجیح می دهند. حمایت ها بیشتر در قالب: همکاری اطلاعاتی، فروش تجهیزات دفاعی، و حضور محدود نظامی انجام می شود، نه مشارکت در جنگ تمام عیار.

همانگونه که سردمداران رژیم اشغالی به کرات اعلام کرده اند رژیم پس از براندازی، ایرانی ویرانه و سوخته بجای خواهد گذاشت و افزون بر آن با حمله به همه کشورهای منطقه، در آینده خاطره تاریخی ناشایسته تجاوز کشور ایران به این کشورها را ایجاد خواهد کرد تا آخرین دشمنی را با تمدن صلح جویانه کهن سال ایرانی نشان دهد. روش های ایران ستیزی رژیم تبهکار همانند جنگ افروزیهای آخوندی در جنگهای ایران و روس با همان هدفهاست.

امید است که، با مذاکراتی که با باقی مانده این رژیم غیر انسانی در میان است، دنیای غرب اشتباه به روی کار آوردن رژیم خمینی و یا پرداخت میلیاردها دلار را نکند و به ادامه حیات ننگین رژیم آخوندی یاری نرساند و در برابر خواست اکثریت ملت ایران برای ایجاد یک دموکراسی در ایران قرار نگیرد، مردمی که در هر صورت با یا بدون کمک کشورهای آزاد به هدف خود خواهد رسید. بکار بردن مبارزات سیاسی و انتخاباتی درون کشوری دنیای آزاد در این مورد بحرانی برای دنیا خطر بزرگی است. روشن است که هر گونه مصالحه با این رژیم باعث تضعیف موقعیت و احترام بین المللی کشور های آزاد خواهد بود.

سازمانهای هموند جبهه هماهنگ مبارزان ایران: انجمن ایران در دالاس، انجمن ایرانی برای صلح و آزادی و عدالت، انجمن زنان پارسی در سوئد، انجمن فرهنگ ایران زمین، بنیاد اروپایی زرتشت شناسی، تشکیلات لوس آنجلس-ایران، پشتیبانان جنبش دموکراسی، پیمان برای دموکراسی، جمعیت آزادیخواهان ایرانی در فرانسه، جمعیت خرد پیشگان ریشه ای، جنبش حمایت از مبارزات ملت ایران، جنبش زنان ایران، حزب ایران نوین (سیاتل)، حزب دموکرات مردم ایران، رادیو آزادگان، سازمان ایران پاد، سازمان پان ایرانیست، سازمان رهایی ایران، سازمان جوانان هوادار مشروطه پادشاهی، سازمان حقوق بشر برای آزادی زندانیان سیاسی، سازمان سرباز، سازمان سکولارهای دموکرات ایران، سازمان مشروطه خواهان ایران پادشاهی، سازمان مشروطه خواهان بلوچ، سازمان نگهبانان ایران جاوید، سازمان نظم نوین ایرانیان، سازمان نهال، سازمان همبستگی زنان ایران، شورای اتحاد و همبستگی نیویورک، کانون اروپایی برای آموزش جهان بینی زرتشت، کانون خرد، کنگره همبستگی ایرانیان، نگهبانان یکپارچگی ایران.